

قفسی به نام غزه و اریحا

پژوهش دانشجویی

اشاره:

مقاله «قفسی به نام غزه و اریحا» توسط یکی از دانشجویان کارشناسی رشته اطلاعات استراتژیک دانشگاه امام حسین (ع) تهیه و با اصلاح و تأیید استاد مربوط تحویل هیأت تحریریه نشریه مصباح گردیده است. از آنجا که مقاله حاضر از جهات گوناگون بویژه مناسب بودن موضوع - که یکی از مسائل حادّ جهان اسلام است، مناسب تشخیص داده شد و از طرفی درج آن در این فصلنامه گامی در جهت شکوفایی هر چه بیشتر استعدادهای بالقوه دانشجویان در جهت تحقیق و پژوهش خواهد بود، هیأت تحریریه تصمیم گرفت آن را در این شماره چاپ کند؛ به این امید که در آینده شاهد رشد و رونق روزافزون تحقیقات در کشور عزیزمان باشیم.

مقدمه:

پنجاه سال پیش از این، فکر استقرار یک دولت یهودی در کشور اسلامی فلسطین، از طریق بیرون راندن تمام جمعیت فلسطینی آن چنان دور از ذهن و از لحاظ اخلاقی غیر قابل

پذیرش و غیر واقعی و غیر قابل تحقق بود که حتی بیشتر حکومت‌های غربی از جمله شیطان بزرگ (امریکا) و خود یهودیان در غرب نیز از آن حمایت و جانبداری نمی‌کردند و تنها مساعدت و یاری آنها به جهت کمک به هدف‌های استعماربریتانیا، (در مدرنیزه کردن فلسطین؟!) تعیین و تشکیل خط مقدم دفاعی غرب علیه اعراب غیر متمدن و بالاخره کمک به دمکراسی و حقوق بشر قلمداد می‌گردید و امروز یهودیت سیاسی به عنوان سردمدار نظم نوین بین‌المللی سوگند یاد نموده که در کنار دوستان عرب! و فلسطینی! تازه یافته خویش با بنیادگرایی و افراطی‌گرایی مذهبی (اسلام انقلابی) رویارویی و آن را سرکوب کند.

دفاع امپریالیسم از آرمان‌های به اصطلاح متعالی خویش همچون، ظلم‌پذیری، تحقیر، بردگی، سازش و خود باختگی، تشکر از اربابان، عدم استقلال و حریت ملی و بی‌دینی ملت‌ها اصولی است که باید همه‌ابناء بشر فراروی خویش قرار دهند تا حقوق بشر مجهول، محقق گردد. نظم نوین جهانی این چنینی برای فلسطینی قفسی می‌سازد تا پس از سالها آوارگی و دربدری لختی در پناه آن بیاساید.

تحولات سیاسی در مناقشه فلسطین طی یکی دو ساله‌اخیر دارای چنان شتاب فزاینده‌ای بوده که کمتر کارشناس و سیاستمداری آن را از پیش تصور می‌کرد؛ روند سازش به گونه‌ای ادامه یافت که حتی هیئتهای مذاکره‌کننده (سوریه، اردن، لبنان، حتی هیئت فلسطینی) و ناظران براین مذاکرات (روسیه، عربستان) از نتایج به دست آمده انگشت تعجب به دندان گزیدند، زیرا اساس و پایه و محور مذاکرات بر اجرای قطعنامه‌های ۳۳۸ و ۲۴۲ سازمان ملل تأکید داشت و توافق به عمل آمده بین اشغالگران و خائنان ساف بر چیز دیگری؛ چراکه در دوره‌های اول مذاکرات به اصطلاح صلح، ترکیب هیئت فلسطینی- اردنی مطرح بود و اساساً فلسطینیها حق شرکت مستقل در مذاکرات را نداشتند و تقریباً پس از دور ششم (دور نهم) مذاکرات بود که فلسطینیان مستقلاً مطرح گردیدند.

این چرخش عجیب در مواضع صهیونیستها تا حدودی خبر از اجرای سناریوی پشت پرده دیروز، که امروز به صحنه رفت، را داد؛ شاید روی گرداندن و تغییر مواضع فلسطینیها از اصرار بر اجرای قطعنامه‌های مذکور سازمان ملل امتیازی بود که در مقابل حق پذیرش شرکت

مستقل به آنان اعطا می‌گردید تا سناریوی غزه - اریحا کاملاً طبیعی جلوه کند. نقش مذاکرات سری عرفات در اروپا با آماده‌گران اسرائیلی در این زمینه در خور توجه و اهمیت است؛ به هر حال پذیرش این طرح از سوی ساف اوج ذلتی است که آنها پس از سالها مبارزه بدان تن داده‌اند، در حالی که اگر قرار بود نتیجه سالها مبارزه این باشد آنان قبلاً می‌توانستند به دستاورد بیشتری رسیده باشند. یک دولت فدرال یا یک دولت تقسیم شده دستاورد آنها حتی در کمپ دیوید (۱۹۷۸) نیز می‌توانست بیشتر از این باشد؛ شاید بشود قریب به یقین گفت که ساف با توجه به سیر و روند تاریخی مسأله فلسطین چنین موضعی را درپیش گرفته، زیرا در استراتژی بی‌عمق (امروزی) آنها مذاکره مستقیم نهایت آرزو بود، چرا که آنها همواره خود را به عنوان برگگی در دست دیگران قلمداد می‌کردند و خود را با افسوس از دست رفتن موقعیت در کمپ دیوید ملامت می‌نمودند؛ این بود که این بار عقب ماندگی خود را از مرتجعان عرب جبران نموده، از برخی از آنها نیز فاصله قابل قبولی گرفتند. ساف فراموش کرد که دیروز آنها به جهت استراتژی آزادی کل فلسطین مطرح بودند ولی امروز که دیگر شاخه نظامی آن یعنی دست انتقام مظلومان فلسطین منحل گردیده، یا به عنوان عملة صهیونیستها به تصفیه مبارزان و مخالفان ساف و اسرائیل همت گماشته، دیگر جایی به جز غزه - اریحا ندارد. آزادی کل ارض فلسطین (۲۷۰۰۹ کیلومتر مربع)، کجا و قبول زندگی در ۳۳۸ کیلومتر کجا، آنها با توجه به اینکه امنیت در خارج مرزها و روابط خارجی انحصاراً در دست صهیونیستهاست؛ به این ترتیب آیا هرگز فلسطینیان می‌توانند آرزوی داشتن یک دولت (زمانی که دو ستون اصلی هر دولت یعنی روابط خارجی و امنیت داخلی و دفاع در دست اسرائیل باشد) را در دل پیروانند، جدا از اینکه این سرزمین تا چه اندازه‌ای محدود و کوچک باشد، قضیه فلسطین که همواره و در هر زمان به عنوان بحران خاور میانه، تجسم عینی داشت، تا حد یک وضعیت حقوق بشر تنزل کرده است. چرا؟

اما جبهه مقابل فلسطینیان (صهیونیستها) با توجه و دقت در اوضاع نابسامان ساف در همه زمینه‌ها یعنی وضعیت وخیم مالی، عدم جانبداری از سوی کشورهای دیروز حامی، آشفتگی اتحادیه عرب و خلاصه موضع انفعالی کشورهای عربی که بر اثر جنگ در خلیج

فارس دچار تشّت فوق العاده‌ای گردیده بودند و همچنین دانستن استراتژی فلسطینیان (ساف) در خصوص مذاکره مستقیم، آنها را به مسلخ بردند. این مسأله (طرح صلح) پیامدهای بسیار مهمی برای صهیونیستها در برداشت که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) شکاف در ائتلاف معنوی هیئتهای مذاکره‌کننده در خصوص داشتن یک استراتژی واحد در نشستها و مذاکرات که با محور بودن اجرای قطعنامه‌های ۳۳۸ و ۲۴۲ سازمان ملل بود و عدول فلسطینیان از آن.

ب) خلع سلاح تمام طرفهای حامی آرمان فلسطین خصوصاً کشورهای که هر یک خود را به گونه‌ای در بحران خاور میانه و دفاع از آرمان فلسطین سهیم می‌دانستند.

ج) توجیه افکار عمومی در سطح جهان مبنی بر اینکه اسرائیل بر خلاف آنچه کشورهای منطقه (خاور میانه) تاکنون اعلام می‌کردند، طرفدار صلح و ثبات است و قبول اعطای خود مختاری به فلسطینیان.

د) شکاف هرچه بیشتر بین سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) با دیگر سازمانهای فلسطینی حاضر در صحنه و عرصه مبارزه که در پی افزایش این اختلافات در بین عناصر طرفدار این سازمانها شکاف، آشکار می‌شود؛ بنابراین، وحدت و یکپارچگی در مبارزه با صهیونیستها (انتفاضه) دچار اختلال و تزلزل می‌گردد، زیرا متأسفانه این اختلافات بین سازمانها و گروه‌های مبارز فلسطینی به صورت بالقوه و بالفعل وجود داشته و دارد، هر چند موضعگیری در مقابل ساف و طرح غزه - اریحا می‌تواند به عنوان عاملی اتحاد برانگیز در بین سازمانها و گروه‌های فلسطینی مطرح باشد ولی وجود اختلافات داخلی بین گروه‌ها و سازمانهای مخالف جریان سازش و درگیریهای خطی بین آنها در صورت عدم کنترل و دستیابی به یک استراتژی واحد می‌تواند فاجعه‌ای هولناکتر از مسأله سازش عرفات - اسرائیل باشد زیرا در آن صورت انتفاضه به عنوان تنها امید ملت مسلمان فلسطین دچار تشویش و نگرانی خواهد شد، هر چند انتفاضه پدیده‌ای جدا از یک هدایت مرکزی و سازمانی است ولی مردم صحنه فلسطین خواسته‌یانا خواسته از سوی سازمانهای موجود در صحنه فلسطین خط دهی می‌شوند و این مسأله در روند انتفاضه تأثیراتی در بر خواهد داشت؛ بنابراین باید تمام

سازمانها و گروه‌های فلسطینی (اعم از ملی و اسلامی) در جهت تشکیل رهبری ملی و اسلامی انتفاضه همه کوشش خویش را مبذول دارند، زیرا امروز اسرائیل - امریکا - ساف سخت در تلاشند که هماهنگی و وحدت نظر گروه‌های مخالف روند به اصطلاح صلح را دچار مخاطره کنند. ه) طرح غزه - اریحا با توجه به تمام جهات و لحاظ نمودن حل مشکلات و مسائل امنیتی برای رژیم صهیونیستی طراحی گردیده بنابراین، غزه به عنوان محلی که انتفاضه در آن دشمن اشغالگر را به ستوه آورده و بار امنیتی بسیاری که برای اشغالگران داشته به عنوان قسمتی از منطقه (خودگردانی اداری) مطرح گردیده، با توجه به اینکه گروه‌های اسلامی در این منطقه دارای نفوذ و تاثیر فوق العاده‌ای هستند (شاید همین مسأله در آینده باعث درگیری بین حامیان ساف و حکومت خودگردان فلسطینی از یکسو و طرفداران گروه‌های اسلامی گردد که در بند قبل بدان اشاره گردید)

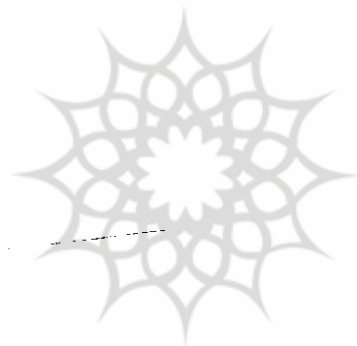
مساحت این منطقه (غزه) در حدود ۳۶۳ کیلومتر مربع است و جمعیت در این منطقه از تراکم بسیاری برخوردار و درآمد در این منطقه، به نسبت، کم است؛ بنابراین در صورت اجرای این طرح، حل مشکلات اجتماعی، سیاسی، رفاهی، مردم در این ناحیه، که خود معضل بسیار بزرگی است، گریبان دولت بی صلاح و سلاح فلسطینی را خواهد گرفت. اساساً بنا به اعتقاد اسرائیلیها، این طرح آزمایشی است که از حاکمان فلسطینی به عمل خواهد آمد که در صورت موفقیت در طی این مرحله (دوره انتقالی پنجساله) روی مناطق دیگر، و همچنین مسائلی از قبیل مرزها، شکل امنیتی، پناهندگان قدس، روابط با همسایگان بحث خواهد شد. در اینجا یک سؤال پیش می‌آید و آن اینکه آیا در طی دوره مذکور، کشمکش و درگیری بین فلسطینیان و نیروهای اشغالگر به وجود نخواهد آمد و در صورت وقوع ناآرامیها چه می‌شود؛ بند آخر تبصره‌های مورد توافق ساف - اسرائیل صراحتاً می‌گوید: حق توقف اجرای هر یک از توافقنامه‌های دو جانبه در صورت مغایرت با امنیت اسرائیل برای صهیونیستها باقی است. لذا چه تضمینی وجود دارد که اسرائیلیها پس از دستیابی به هر آنچه که در دستور کار خویش دارند، اقدام به ملغی نمودن موافقت به عمل آمده نکنند. امروز که مسأله فلسطین هنوز محور بودن خویش را در خصوص بحران خاورمیانه از دست نداده، کشتار در حرم ابراهیمی (ع)

صورت می‌گیرد و تازه زمانی که طرفین، به اصطلاح در حال گفتگو و زمینه سازی (به قول خودشان) صلح فراگیرند، نیروهای ارتش اسرائیل قرار است که از مناطق خود مختاری داده شده عقب نشینی کنند در حالی که در همین شهر غزه بسیاری از شهرکهای یهودی نشین قرار دارد که بیشتر ساکنان آن مسلح هستند و دوره‌های نظامی را گذرانده‌اند، چه تضمینی وجود دارد که دیوانه‌ای دیگر مانند آن گروه دیوانگان به سرپرستی دیوانه با رخ گلدشتاین امریکایی مرتکب جنایت مشابهی نشود؛ سناریوی دیوانه‌ای که دیروز در کشتار کارگرانی که صبح زود به سرکار خود می‌رفتند و نیز آتش زدن مسجد الاقصی حربه‌ای قدیمی است که تاکنون چند بار رژیم صهیونیستی از آن بهره جسته است، شاید در آینده نیز تکرار گردد. منطقه دوّم اریحا در حدود ۲۵ کیلومتر مربع در کناره غربی رود اردن قرار دارد؛ منطقه‌ای بی اهمیت که اسرائیلیها در آن نیرو و امکاناتی ندارند. تنها جاده‌ای از میان آن به سمت مرز اردن بود که رژیم صهیونیستی به دلیل عدم استفاده احتمالی خود در آینده جاده‌ای کمربندی در همان مسیر ساخته، بنابراین، دسترسی به مرز را از طریق این جاده برای خویش هموار کرده است. اردن نیز در باره اریحا اقدام به در دست گرفتن نبض اقتصادی در این منطقه کرده و تاسیس بانکهای اردنی به همین دلیل صورت پذیرفته است. اقتصاد، در دست اردن، امنیت مرزها، در دست اسرائیلیها و حکومت خودمختار فلسطینیان!!! در دست رهبران ساف.

تقسیم همین حکومت نیم بند اداری به دو بخش جدای از هم، شرقی و غربی، (جغرافیایی) حکایت از همان نکته اول دارد که بدان اشاره شد (تمهیدات امنیتی) زیرا رژیم صهیونیستی بخوبی آگاه است که فلسطینیان در فکر و رؤیای حکومت بر این سرزمین هستند. آنگونه که خود در تأسیس دولت یهود حرکت کرده‌اند (ایجاد جای پا و سپس توسعه آن) لذا فلسطینیان اجازه نخواهند داد که همان راه را طی کنند؛ بنابراین برای رویارویی با این تهدید احتمالی و همچنین با توجه به استراتژی پنهان فلسطینیان مبنی بر استحاله دولت اردن در آینده که ۶۰٪ جمعیت آن فلسطینی است (که این مسأله به بحثی مستقل نیاز دارد) طرح غزه در شرق و اریحا در غرب فلسطین با این کیفیت بیان شده است. اینها شاید عمده‌ترین هدفها و مسائلی است که صهیونیستها در پی آن بوده‌اند؛ هر چند مسائلی از قبیل تأمین امنیت داخلی

(اسرائیل) برطرف کردن تحریم اقتصادی از سوی کشورهای عربی، کاهش اتکای اسرائیل به کمکهای خارجی، آسوده خاطر شدن از مسابقه تسلیحاتی و خروج از انزوای سیاسی و... از دیگر مسائلی است که می‌توان آنها را از اهداف طرح مذکور به نفع رژیم صهیونیستی قلمداد کرد ولی این مسأله بخوبی مشخص و هویداست، که طرح غزه - اریحا قفسی است که صهیونیستها را در کشتار و غارت فلسطینیان یاری خواهد داد چرا که استراتژی اسرائیل همواره بر کانالیزه کردن فلسطینیان استوار بوده و هست زیرا از طریق کوچ آنها به مناطقی مشخص، می‌شود آنان را به خوبی کنترل کرد، اما غاصبان سرزمین اسلامی فلسطین بدانند که انتفاضه در آینده نزدیک از مرحله حجر (سنگ) به مرحله سلاح آتشین و مسلسل‌هایی که در گلوله، بغض و کینه چندین دهه مظلومیت و آوارگی را دارد، خواهد رسید؛ فریاد برخورد آورد؛ فریادی به بلندای ابدیت که «اسرائیل باید از صحنه روزگار محو گردد» و آن دیر نخواهد بود همانگونه که جو یاس و ناامیدی حاصل از (۱۹۷۸ انعقاد کمپ دیوید) بر اثر قیام (۱۹۸۷ انتفاضه بزرگ اسلامی) شکسته شد.

ریخته شدن خون پاک نمازگزاران روزه دار در ساعتی که به خداوند از هر لحظه نزدیکتر بودند (در حال سجده) گواهی بر این سنت الهی است که الْمَلِكُ یَبْقَى مَعَ الْکُفْرِ وَلَا یَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ و پیام خون آن برادران به همه مسلمانان در اقصی نقاط عالم این است که سرانجام، فلسطین آزاد خواهد شد.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی